

مقتول زندگی مرا به شوهر سابقم گزارش می داد



شناسه خبر: ۱۲۹۹۴۷ شنبه ۱۶ دی ۱۴۰۲ - ۰۸:۳۸

مرد جوانی که متهم است در یک تصادف عمدی پسر خاله همسر مقتولش را به قتل رسانده است در حالی در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد که همسرش نیز اتهام معاونت در قتل دارد.

به گزارش موج خبر، فروردین ماه سال گذشته رهگذران پیکر نیمه جان مردی را در حوالی پارچین مشاهده و موضوع را به اورژانس و پلیس پاکدشت اعلام کردند. پس از آن مأموران به محل اعزام شدند و با بررسی های اولیه مشخص شد وی در تصادف با یک خودرو مجروح و راننده نیز متواری شده است. با انتقال وی به بیمارستان، چند روز بعد به خاطر شدت جراحات وارده فوت کرد.

با مرگ مرد جوان، مأموران با بررسی دوربین های مدار بسته اطراف محل حادثه دریافتند وی به عمد از سوی راننده یک نیسان آبی با پلاک مخدوش زیر گرفته شده است.

وقتی مأموران به سراغ همسر مقتول رفتند وی گفت: همسر من از مدت ها قبل با فریبز شوهر صیغه ای دختر خاله اش اختلاف داشت و من در مرگ شوهرم به او مشکوکم.

در ادامه مأموران دریافتند فریبرز یک نیشان آبی دارد بنابراین وی را بازداشت کردند. او در همان بازجویی‌های اولیه به تصادف عمدی اعتراف کرد و گفت: اختلاف من با مقتول به خاطر همسر من بود.

مدتی قبل با فریبا که دخترخاله مقتول بود عقد موقت کردم اما او چند بار به من گفت پسرخاله‌اش در زندگی خصوصی او زیاد دخالت می‌کند به همین خاطر تصمیم گرفتم او را ادب کنم.

با تکمیل تحقیقات، برای فریبرز به اتهام مباشرت در قتل و برای فریبا به اتهام معاونت در قتل کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت

در ابتدای جلسه همسر مقتول به عنوان قیم دو فرزند صغیرش برای متهم درخواست قصاص کرد، سپس فریبرز به جایگاه رفت و گفت: من با خودرو به او زدم اما اتهام قتل عمد را قبول ندارم. روز حادثه حوالی خانه اکبر بودم که او از خانه‌اش بیرون آمد و از آنجایی که شب قبل با او درگیری لفظی داشتم با دیدن من سنگی را از روی زمین برداشت و به سمت من حمله کرد. من هم برای فرار از دست او ماشین را روشن کردم و قصد داشتم از آن خیابان خارج شوم که ماشینم ناخواسته به او خورد. بعد هم از ترس فرار کردم.

قاضی سؤال کرد: چرا در بازجویی‌ها به عمدی بودن تصادف با همدستی همسرت اعتراف کرده بودی؟

متهم پاسخ داد: تحت فشار روانی اعتراف کردم.

قاضی پرسید: دوربین‌های مداربسته محل نشان می‌دهد تو روز قبل از حادثه چند باری در حوالی خانه مقتول پرسه زدی. چطور ممکن است ساعت ۷ صبح روز بعد اتفاقی با او تصادف کرده باشی؟

متهم گفت: روز قبل می‌خواستم دختر همسر من را به خانه خواهرزنم که در نزدیکی خانه مقتول بود برسانم، به همین خاطر در آنجا حضور داشتم. از طرفی سرعت ماشینم حدود ۳۰ کیلومتر بود.

پس از آن فریبا به جایگاه رفت و گفت: پسرخاله‌ام با همسر سابقم دوست بود. همسر سابقم خانه‌ای دارد که پاتوق معتادان است و پسرخاله‌ام هم به خانه او می‌رفت. وقتی با فریبرز عقد موقت کردم دلم نمی‌خواست کسی موضوع را

بداند اما چند روز بعد در کمال ناباوری شوهر سابقم پیامکی برایم فرستاد که نشان می‌داد از عقد من با خبر شده و از آنجا که فقط پسرخاله‌ام با او در ارتباط بود فهمیدم کار او است.

پسرخاله‌ام بعد از جدایی من مدام کارهای مرا به شوهر سابقم گزارش و از من بدگویی می‌کرد. برایش پیغام فرستادم که دست از سر من و زندگی‌ام بردارد اما چند ساعت بعد تماس گرفت و شروع به فحاشی کرد، من هم آن را به فریبرز گفتم، او هم عصبانی شد و می‌خواست پیش مقتول برود و با او صحبت کند.

قاضی پرسید: همسرت گفته شما دستور قتل پسرخاله‌ات را داده بودی. درست است؟

فریبا جواب داد: قبول ندارم. من بی‌خبر بودم، از مادرم شنیدم که تصادف کرده است و بعد از آن فریبرز موضوع تصادف را برایم تعریف کرد.

در پایان جلسه قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

منبع: روزنامه ایران

انتهای پیام/